



## تکامل ریسک

© May 2017, Magda Stepanyan, Risk Society

info@risk-society.com

مفهوم ریسک از آغاز پیدایشش مسیر تکاملی طولانی‌ای از سده‌های میانه تا چیزی که امروز از ریسک فهمیده می‌شود، پیموده است. در **توسعه تکاملی چهار مرحله اصلی** می‌تواند شناسایی شود:

1. ریسک به عنوان **خطری عینی** که در جهان طبیعی وجود دارد. مفهومی از ریسک که از اواخر سده‌های میانه شروع شد، شبیه به نوعی از خطر شامل بلایای طبیعی، قحطی، طوفان، طاعون و غیره بود.

2. ریسک به عنوان **حادثه** که در مسیر پیشرفت اقتصادی اجتناب‌ناپذیر است. این نگرش به ریسک که در قرن نوزدهم رواج یافت، شامل خطرات برآمده از فرآیندهای صنعتی بود و به **خطای انسانی** به عنوان دلیل ضرر و زیان و آسیب‌های بالقوه نگاه کرد.

3. ریسک به عنوان **پدیده اجتماعی** از ارتباطات انسانی نشات می‌گیرد. با پایان قرن نوزدهم، ریسک نه به عنوان یک پدیده خارجی و نه نتیجه سوء رفتار دیده شد. در عوض ریسک به عنوان برساخته‌های اجتماعی یا برآمدهای سیاسی درک شد که از تصمیمات متخذه از افراد -چه آگاهانه و چه ناآگاهانه- برمی‌آیند. توصیف و منطقی کردن چنین ریسکی و تعریف دقیق آن در قالب احتمال، نتایج، اقدامات جبرانی و مسوولیت‌پذیری دشوار است. ریسک به عنوان بخش جداناپذیری از زندگی انسان نگریسته شد؛ همبستگی عدم قطعیت‌هایی که ما را به عنوان افراد، سازمان‌ها یا جوامع، احاطه نموده‌اند، چشم انداز تهدیدها و فرصت‌ها را شکل می‌دهند.

4. ریسک به عنوان **چالشی جهانی**. امروزه، مفهوم ریسک شامل ریسک‌های بزرگ که می‌تواند کل بشریت را تحت تاثیر قرار دهد، توسعه پایدار و حتی وجود ما را به خطر بیندازد، می‌شود. ریسک‌های بزرگ شامل تغییرات آب و هوایی، از هم‌گسیختگی زیرساخت‌های بحرانی و غیره می‌باشند. یکی از مشخصه‌های کلیدی این است که ریسک‌های بزرگ ارتباطات علت و معلولی را در جامعه جهانی و بسیار به هم وابسته‌ی ما از هم می‌گسلد. این گسیختگی می‌تواند در ابعاد مختلفی در میان نسل‌ها، نواحی جغرافیایی، بخش‌ها و موسسات روی دهد. این می‌تواند "تاثیری پروانه‌ای" که معمولاً مورد توجه ما قرار نمی‌گیرد را ایجاد نماید. یک مثال برجسته‌ی اخیر، بحران مالی جهانی‌ای که موجی از ریسک‌های مالی فزاینده را در نواحی جغرافیایی، بخش‌ها و صنایع باعث شد، می‌باشد. فهمیدن "تاثیر پروانه‌ای" می‌تواند ما را در دیدن اینکه چگونه ریسک رواج داده می‌شود یاری دهد و هشدارهای زود هنگامی از ریسک‌های بزرگ بالقوه بدهد.

**تکامل فهم ما از ریسک روشی را که ریسک‌ها به طور کاربردی مدیریت می‌شوند تحت تاثیر قرار خواهد داد.** توجه به این نکته که هر مرحله‌ی تکاملی، مرحله پیشین را ملغی نمی‌کند، مهم است. نه تنها ملغی نمی‌کند که افق‌هایی جدید در فهم ریسک باز می‌کند و دست اندرکاران را در مدیریت متناسب ریسک راهنمایی می‌نماید. حالا چالش ما توانایی تعیین این است که کدام مفهوم ریسک برای کدام مورد کاربردی مناسب است. به عنوان مثال، روشی که ما ریسک را در موقعیت غیرپیچیده مدیریت می‌نماییم (خواه ساده خواه سخت) بر اساس مفاهیم ساده ریسک است، ولی موقعیت‌های پیچیده، رویکردهای متفاوتی را می‌طلبند.

- در موقعیت‌های ساده یا سخت مانند سیستم‌های فنی، تصمیم‌گیری ریسک-مبنای قابل اعتماد می‌تواند بیشتر بر اساس درک خطی ریسک باشد. این شامل در نظر گرفتن ریسک به عنوان خطر یا حادثه می‌باشد.

- در سیستم‌های پیچیده مانند پروژه‌ها، سازمان‌ها، جامعه، یک ملت یا روابط بین‌الملل، درک ابعاد سیاسی ریسک که از روابط علت و معلولی پیچیده و تکاملی نتیجه می‌شود، مهم است. اینجا باید ریسک را به عنوان پدیده‌ای اجتماعی یا در سطح جهانی دنبال کنیم که تاثیر موج آن اغلب فراتر از تاثیرات محلی می‌رود. این کار نیازمند استفاده از نگرشی منعطف‌تر برای شناسایی و مدیریت ریسک با شکل دادن گستره‌ای از تاثیر گذاران بر ریسک و تاثیر پذیران از آن است.

درک این مفاهیم مختلف ریسک به ما در انطباق نگرش ریسک با موقعیتی که با آن رویارو هستیم یاری می‌رساند و مدیریت اثربخش تر ریسک را بر ما روا می‌دارد.